

## **سید احمد الحسن و بهائیت مدعیان هم پیمان**

آیا سید احمد الحسن، بهائیت معاصر است ؟

در دهه اخیر جریانی نوظهور به نام سید احمد الحسن " جریان مدعی یمانی " شکل گرفته است که مطالعه تاریخ ، نحوه شکل گیری و برخی عقاید این گروه شباهت های بسیار زیادی به فرقه ضاله بهائیت دارد . لذا در این فرصت به بررسی اجمالی این گروه و مطابقت آن با فرقه پوشالی بهائیت خواهیم پرداخت .

این جریان تحت عنوان احمد الحسن الیمانی ، وصی ، فرزند و فرستاده امام زمان (عج) در اواخر سال های حاکمیت صدام بروز کرد. پس از سقوط او ، با کمک برخی از باقیمانده های رژیم بعث ، تشکیلات وسیعی را در مناطقی همچون نجف ، کربلاء ، ناصریه و بصره به راه انداخت . مؤسس جریان ، شخصی به نام احمد اسماعیل قاطع از قبیله صیامر در حدود سال ۱۹۷۳ میلادی ، در منطقه ای به نام «هویر» از توابع شهرستان «زبیر» از استان بصره متولد شد. وی در سال ۱۹۹۹ میلادی، از دانشکده مهندسی بصره فارغ التحصیل شد. مدتی در حوزه شهید سید محمد صدر در نجف تلمذ نمود .

### **بخش اول :**

سیر ادعاهای مختلف به همراه تناقض در ادعا

سید احمد الحسن با این که سید نیست، و اصل و نسب او از طایفه « صیامر » معلوم و معروف است ، عمامه سیاه پوشید ، ودر مجامع عمومی ظاهر شد. از جمله ، با توجه به فیلمی که از او گرفته شده است ، بر بالای منبر در یک مسجدی، با لباس روحانی و عمامه سیاه سخنرانی ، وادعاهای ضد و نقیض خودش را مطرح کرده است.

از ادعای وی می توان به موارد زیر اشاره نمود :

— دیدار مکرر بقیه الله الأعظم به صورت مکرر در عالم خواب و بیداری

— مأمور به برطرف نمودن انحرافات حوزه علمیه

— سید یمانی

— وصی و رسول امام مهدی (عج )

— فرزند امام مهدی (عج )

— اول المهدیین

— بقیه آل محمد ، الرکن الشدید. المؤید بجبرئیل ، المسدد بمیکائیل ، المنصور یاسرافیل ،

سیر ادعاهای علی محمد باب

(موسس بابیه و آغاز گر جریان بهائیت):

— باب و نائب خاص امام زمان (عج )

— ادعای مهدویت و قائمیت

— ادعای نبوت

— ادعای الوهیت

سیر ادعاهای میرزا حسینعلی نوری

(پیامبر مورد اعتقاد بهائیان):

— نوکری میرزا یحیی نوری(جانشین علی محمد باب)

— جانشینی علی محمد باب

— من يظهره اللهی

— پیامبری و رسالت

— ادعای خدایی

— ادعای خالقیت و تربیت خدایان

بخش دوم :

بررسی نماد و نشان جریان

سیداحمدالحسن و فرقه ضاله بهائیت

بخش سوم :

دشمنی با علماء و مراجع دینی

در برخورد با مبلغان و سران جریان مدعی یمانی و بر طبق فایلهای صوتی ضبط شده از این گروه ، دشمنی و توهین به علمای شیعه و مراجع عظام تقلید خصوصا حضرت آیت الله العظمی سیستانی در عراق و مقام معظم رهبری از تاکتیک های تبلیغی این جریان بشمار می رود .

با مطالعه تاریخ بهائیت و نوشته های رهبران بهائی ، نمونه های بسیاری از توهین به علمای شیعه و بزرگان دینی در گفته های حسینعلی نوری پیامبر بهائیان ، همچنین عبدالبهاء و شوقی افندی مشاهده می شود که اسناد آنها نیز موجود است و امروزه همچون لکه ننگی بر دامان بهائیان است که دم از الفت و محبت در دین زده و شعار صلح عمومی را مطرح می نمایند .

بخش چهارم :

پیش زمینه استعماری در بدو تشکیل

همانگونه که گذشت پیدایش جریان مدعی یمانی در زمان دیکتاتور اخیر عراق یعنی صدام حسین کلید خورد و بعد از سرنگونی این دست نشانده و مهره سوخته استعماری با استفاده از اوضاع آشفته عراق علنی گردید. با مطالعه بیوگرافی سران این جریان و روابط بسیار نزدیک آنها با صدام حسین و خصوصا عضویت برخی از آنها در حزب بعث عراق، ماهیت استعماری این گروه بر هر صاحب عقل و اندیشه ای آشکار می گردد . از طرفی مهمترین عامل در پیدایش و گسترش فرقه بهائیت ، حمایت های بی دریغ روس تزار ، انگلیس و آمریکا از سران بهائی می باشد.

تا آنجا که حسینعلی نوری رسماً به پناهندگی در سفارت روس تن داده و این سرسپردگی تا حدی است که برخی منتقدان لقب حسینعلی روسی را برای وی بر می گزینند و عباس افندی ملقب به عبدالبهاء به دریافت لقب سر از جانب دولت انگلیس مفتخر می شود همان لقبی که چندی پیش سلمان رشدی نیز به این مدال آراسته گردید .

بخش پنجم :

دستور به ترک تقلید

به دستور صریح سید احمد الحسن ترک تقلید واجب است و این یعنی همان بشارت طاهره قزوینی معروف به قره العین که در بدشت آوای برهنگی سر داد و گفت امروز روزی است که قیود تقلید شکسته شد.

از دیگر شباهت های ظهور جریان مدعی یمانی (سید احمد الحسن) و فرقه ضاله بهائیت می توان به موارد زیر اشاره نمود :

۶ - سوء استفاده از احادیث مهدوی و برداشت های نا صحیح از روایات

۷ - راه اندازی تشکیلات و حرکات حزبی

۸ - استفاده از زور و فعالیت های نظامی در راه پیشبرد اهداف

۹ - پیوند مستحکم با اسرائیل

۱۰ - تطبیق مصادیق خاص بر نشانه های ظهور

**اشکالات و تناقضات جریان یمانی (سید احمد الحسن) بخش اول**

اگر کسی از گذشته و حال جریان یمانی خبر داشته باشد ، با سیلی از اشکالات شرعی ، عرفی و عقلی و نیز تناقضات آشکار و ابهامات زیاد مواجه می شود . از جمله:

۱- بنا بر شهادت افراد مطلع و آگاه ، مدّعی جریان یمانی شخصی به نام احمد اسماعیل صیمری از طایفه صیامر منطقه زبیر است . این طایفه از بنی هاشم نیستند . اما با این حال نامبرده با پوشیدن عمامه سیاه ویدک کشیدن عنوان سید احمد ، خود را سید واز بنی هاشم معرفی کرده است . قطعاً این کار از باب دروغگویی و فریب دیگران شرعاً حرام است.

۲- در فیلمی که از او در ابتدای کار پخش شده است، می گوید: من یک روستایی ساده هستم و هیچ گونه ادّعایی ندارم . اما در عین حال می گوید : خدا مرا برگزیده و ائمه همراه من هستند . و من صاحب نفس مطمئننه ام . و نور سراسر وجود مرا فرا گرفته و ..... قطعاً این ادّعاهای بزرگ با بی ادّعا بودنش در تناقض است.

۳- در همان فیلم ، وقتی به عربی فصیح تکلم می کند ، در لحن کلام او اشتباهات زیاد ( نحوی و صرفی ) وجود دارد، که نشان می دهد سواد کافی ندارد . این واقعیت با ادّعاهای بزرگی که دارد سازگار نیست.

۴- احمد اسماعیل از یک سو ادّعای فرزندگی امام زمان (عج) می کند ، واز سوی دیگر ادّعا می کند که برای اولین بار امام زمان (عج) را در عالم خواب ، و سپس در ماه شعبان ۱۴۲۰ ق ( مصادف ۱۳۷۸ ش ) امام زمان را در برای دومین بار در بیداری دیده است ! یعنی آن زمان که از عمر او بیش از ۲۵ سال گذشته است . چطور امکان دارد فرزند امام زمان تا آن موقع بابای خود را ندیده باشد !؟

۵- وی با وجود ادّعای فرزندگی امام زمان (عج) ، اما خود را احمد بن الحسن می نامد . در حالی که می بایست خود را « احمد بن محمد » می نامید . چون نام امام زمان حسن نیست . بلکه حسن نام پدر امام زمان است . گویا « قاعده دروغگو فراموشکار است » در این جا جریان دارد.

### **اشکالات و تناقضات جریان یمانی ( سید احمد الحسن ) بخش دوم**

۶- وی خود را یمانی می داند و روایاتی را که درباره خروج یمانی صادر شده ، بر خود منطبق می داند . در حالی که در روایات آمده است:

یمانی ، خراسانی و سفیانی در یک سال و یک ماه و یک روز خروج می کنند . و پس از چند ماه در همان سال امام زمان (عج) هم قیام می کند . مدّعی یمانی نزدیک ده سال است که خروج کرده، در حالی که نه خراسانی و نه سفیانی ، نه در آن زمان ، و نه حالا خروج نکرده ، و هنوز هم امام زمان قیام نفرموده است !

۷- وی در عین این که خود را فرزند امام زمان و سید هاشمی می داند ، خود را یمانی نامیده است . در حالی که این دو عنوان یمانی و هاشمی ، آن هم برای کسی که اهل عراق است ، قابل جمع نیست؛ زیرا یمانی ظهور در این دارد که اهل یمن است . در حالی که وی به اعتبار محل تولد و نشو و نما عراقی است. البته گویا خود متوجه این تناقض شده ، لذا با این مغالطه ، این لقب را توجیه نموده است، که چون مگّه از تهامه است . و تهامه از یمن است ، پس محمد و آل محمد (ص) همگی یمانی هستند.

وجه مغالطه بودن توجیه فوق این است ، که تهامه یک منطقه جغرافیایی است که از شمال جزیره العرب یعنی بالاتر از مکه و مدینه آغاز می شود ، و جنوب آن به یمن می رسد . بنابراین مکه و مدینه جزء تهامه است . و یمن هم از تهامه است ، ولی تهامه از یمن نیست . بلکه یمن در جنوب جزیره العرب قرار دارد و شامل شمال و میانه جزیره العرب نیست . بنابراین محمد و آل محمد (ص) حجازی و تهامی هستند ، اما یمانی نیستند.

اصولاً مردم عرب به دو دسته عدنانی و قحطانی تقسیم شده اند . مقصود از عرب عدنانی خصوص قریش ، و از جمله بنی هاشم است . در حالی که عرب قحطانی فقط اعرابی را شامل می شود که ریشه آن ها از یمن است . و به هیچ وجه به عرب عدنانی ، یمانی گفته نمی شود.

۸- وی در پیامی که به مردم عراق فرستاده ، از یک سو ادّعا می کند ، که من از طرف امام زمان (عج) و با تأیید جبرئیل و میکائیل آمده ام ، بنابراین پیروزی او با امدادهای غیبی باید حتمی باشد ، در حالی که از مردم عراق طلب نصرت می کند ، و می گوید که اگر نصرت ندهید ، شما سابقه بی وفایی نسبت به مسلم بن عقیل را داشتید . و بدین صورت خود را به مسلم بن عقیل تشبیه می کند. همان مسلمی که پیروزی ظاهر او و یاری جبرئیل و میکائیل در حق او منتفی بود . و این تناقض دیگری است.

۹- وی به خواب های خودش و خواب های دیگران استناد می کند، در حالی که خواب در مسائل شرعی و عقیدتی برای دیگران هیچ گونه حجّیت و اعتباری ندارد. هیچ پیامبر ولی الهی حقانیت خود را با خواب اثبات نکرده است. مخصوصاً که خواب صرف ادّعا است. و امکان دارد آدم دروغگو هم ادّعای آن را بکند.

۱۰- استناد دیگر او به وقوع حوادث آینده ، مثل سقوط صدام هم مضحک است . زیرا این پیشگویی توسط هر آدم آگاه به مسایل سیاسی امکان پذیر است ، و اختصاص به نامبرده ندارد . مخصوصاً که قبل از همه امام خمینی (ره) فرموده بود : صدام رفتنی است!

### **سیر ادعاهای سید احمد الحسن الیمانی (فرزند، فرستاده و رسول امام مهدی)**

ایشان با این که سید نیست، و اصل و نسب او از طایفه « صیامر » معلوم و معروف است، عمامه سیاه پوشید، و در مجامع عمومی ظاهر شد. از جمله، با توجه به فیلمی که از او گرفته شده است، بر بالای منبر در یک مسجدی، با لباس روحانی و عمامه سیاه سخنرانی، و ادعاهای ضد و نقیض خودش را مطرح کرده است.

ایشان با این که سید نیست، و اصل و نسب او از طایفه « صیامر » معلوم و معروف است، عمامه سیاه پوشید، و در مجامع عمومی ظاهر شد. از جمله، با توجه به فیلمی که از او گرفته شده است، بر بالای منبر در یک مسجدی، با لباس روحانی و عمامه سیاه سخنرانی، و ادعاهای ضد و نقیض خودش را مطرح کرده است.

از لحن کلام او پیداست که سواد پایینی دارد، و سخن گفتن به عربی فصیح برای او مشکل است. در آن سخنرانی در عین این که تصریح می کند که هیچ ادعایی ندارد، و او یک مرد ساده از یک روستای ساده ای است، در همان زمان ادعا می کند که، « من مایه رحمتم برای اسلام، بلکه برای اهل زمینم، اهل بیت (ع) هر کجا بروم، همواره با من هستند و صریحاً می گویم که خداوند مرا برگزیده است؛ صاحب نفس مطمئنه به من متصل شده، و خود صاحب نفس مطمئنه شده ام. من می خواهم شیعیان را متحد کنم از عالم و عامی؛ من آمادگی دارم حقایق را برای همه روشن کنم، و به صورت سیاه و سفید نشان دهم. خدا نور است و کلام او نور است. در عین حال هیچ ادعایی هم ندارم! »

#### **مراحل مختلف بروز جریان یمانی**

ادعاهای واهی او در طی پیامی که از طریق سایت اینترنتی خود، با خطاب به علماء حوزه های دینی در مورخه ۲۷ شوال ۱۴۲۴ هجری قمری فرستاده بود، از این قرار است:

#### در مرحله اول:

ادعا می کند که، امام زمان (عج) را در عالم خواب به صورت مکرر در حرم سید محمد فرزند امام هادی (ع) دیده، او را امر به زیارت عسکریین می کند. پس از آن موفق به دیدار آن حضرت در بیداری شده، حضرت او را نسبت به انحرافات عملی و مالی حوزه ها به خصوص حوزه نجف آگاه می کند، و تحت تربیت ویژه قرار می دهد!

#### در مرحله دوم:

مدعی است که، او را امر به ورود به حوزه علمیه می کند، و در آن جا مأموریت به او داده که انحرافات حوزه را مطرح نماید!

#### در مرحله سوم:

ادعا می نماید که، در ماه شعبان سال ۱۴۲۰ ه. ق (مصادف با ۱۳۷۸ ش)، امام زمان را برای دومین بار در حالت بیداری در کنار حرم امام حسین (ع) ملاقات کرده، و به دستور امام به نجف می رود، و دعوت خود را علنی می سازد، در این مرحله جمعی او را تکذیب می کنند؛ و او را به سحر و جنون و تسخیر اجنه متهم می کند در پی آن به شهر خود باز می شود.

### **اعلان عمومی جریان یمانی پس از سقوط رژیم صدام حسین**

بعد از سقوط صدام در ماه جمادی الثانی ۱۴۲۴ قمری ، احمد اسماعیل دعوت خود را علناً تکرار کرده، و تعدادی فریب حرف های او را می خورند . در ماه مبارک رمضان آن سال ادعا می کند ، که از سوی امام زمان (ع) مأموریت یافته تا همه مردم زمین را مورد خطاب قرار دهد ، و آن ها را به قیام در راه حق بر علیه ظالمان دعوت کند!

وی در آن پیام تصریح می کند ، که من انتظار یاری علمای دین را ندارم . زیرا بسیاری از آنان با امام زمان (عج) با لسان و سنان جنگ خواهند کرد، چون با ظهور امام زمان (عج) بساط مرجعیت آنان درهم پیچیده می شود؛ و مقصود از اوئان واصنام ( بت ها ) همان علما هستند. به طور خلاصه ادعاهای احمد الحسن را می توان چنین بیان کرد :

- ۱- در اول ادعا کرد که با امام الزمان (عجل الله فرجه) در ارتباط می باشد و نیز ادعا نمود که نایب خاص امام می باشد(به نقل از کتاب اولین ملاقاتم با امام الزمان که خودش آن را تألیف کرده میباشد).
- ۲- بعد از مدتی که نزدیک ۳۰ نفر فریب وی را می خورند خود را یمانی موعود معرفی می کند.
- ۳- بعد از گذشت چند سال دوباره با ادعای جدیدی آمد و گفت من فرزند امام می باشم.
- ۴- در همان ایام همه مراجع عظام فتوی دادند که این شخص یک دجال است و باید از بین برود.
- ۵- بعد از این همه دوباره ادعا کرد که من صاحب الامر می باشم و گفت باید مراجع از بین بروند و مردم نباید از آنها تقلید کنند.
- ۶- و در این چند ماه گذشته نیز ادعا کرد که من همان امام زمان ، حضرت مهدی می باشم و نیز گفت همه مردم باید با من بیعت کنند.
- ۷- این شخص با آوردن آیات جدید و احکام جدید سعی می کند که قرآن و تشیع را منحرف سازد.
- ۸- شخصی که خود را به جای امام زمان قرار بدهد یقیناً از دایره ی اسلام خارج می شود.
- ۹- این شخص در حال حاضر متواری شده است و گویا خود را در دولت امارات پنهان کرده است.

### **بررسی شجره سید احمد الحسن فرزند امام دوازدهم معروف به اول المهدیین**

سید احمد الحسن ، وی احمد فرزند اسماعیل فرزند صالح فرزند حسین فرزند سلمان فرزند محمد فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد فرزند علی فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی فرزند ابیطالب می باشد.

چند مسأله :

- در صورتی که سلمان فرزند امام دوازدهم باشد به قطع یقین در قبل از ۸۰ سالگی دارای فرزندی شده به نام حسین و حسین در پیش از ۸۰ سالگی پدر صالح شده است و صالح نیز در قبل از سن ۸۰ سالگی اسماعیل را و اسماعیل هم در پیش از رسیدن به سن ۸۰ سالگی احمد را در سال ۱۹۷۳ میلادی بدنیا آورده باشد نتیجه این می شود که حضرت ولیعصر (عج) ۱۶۵۳ میلادی سلمان را بدنیا آورده اند و حال آنکه خود ایشان در مورخه ۲

آگوست ۸۶۹ میلادی ( جمعه ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری قمری ) متولد گردیدند و حضرت بقیه الله الاعظم ، در سن ۷۸۴ سالگی پدر جناب سلمان خان ( که ادعا می گردد فرزند بلافضل امام مهدی است ) شده اند — گوئیا دوستان این مدعی دروغین یمانی فراموش کرده اند که از تولد امام زمان ( عج ) تا تولد احمد الحسن دقیقا ۱۱۰۴ سال فاصله است که با یک حساب تقریبی و به حالت طبیعی باید بیش از ۱۴ نسل فاصله باشد در حالی که به ادعای یاران وی بین امام مهدی تا احمد الحسن تنها ۵ نسل فاصله است البته اگر هر یک از اولاد امام مهدی در سن ۸۰ سالگی دارای فرزند پسر گردند .

— احمد الحسن فرزند اسماعیل از قبیله ای بنام صیامر در منطقه ای بنام هویر از توابع بصره است که طی تحقیقات محلی ، گویا غیر از احمد اسماعیل کسی در این طایفه خود را از سادات نمی داند. لذا چگونه می شود قبیله ای با پنج نسل به امام زمان برسند و سیادت خود را فراموش کرده باشند البته غیر از احمد فرزند اسماعیل